

زیسته در افق روایت؛

بررسی موردی تحلیل کارکرد روایت و روایت‌پردازی در آموزش و فهم دانش

هادی دهقانی یزدلی^۱

چکیده

روایت‌پردازی را می‌توان از جمله مهارت‌هایی دانست که از آغاز زیست آدمی تاکنون که فضاهای مدرن و پست‌مدرن را تجربه می‌کند، روایی و اهمیت خود را از دست نداده است. روایت، متشکل از گزاره‌های ساختارمند است که با به‌کارگیری شخصیت‌ها و کنش‌های آنان، به طرح حادثه یا اتفاقی می‌پردازد. این جنبه از روایت نه تنها به کار آموزه‌های اخلاقی و فرهنگی می‌آید بلکه نقش مؤثری نیز در انتقال و تشریح علوم و دانش‌های تخصصی دارد. به‌کارگیری این نقش مؤثر، مسلماً نیازمند داشتن بنیان‌های علمی بنیادی و تخصصی و از سوی دیگر فراهم نمودن شایستگی‌های روایت‌پردازی و روایت‌شنوی معلمان و دانش‌آموزان در هر سطح دانشی است. این نوشتار با نقل تجربه روایی یک دانش‌آموز از خوانش کتاب «جهان‌های موازی» به بررسی و تأثیر روایت و کارکرد آن در انتقال مفاهیم علمی به دانش‌آموزان می‌پردازد و درنهایت به اثبات این نکته می‌پردازد که انواع فنون روایت چون روایت‌شناسی، روایت پژوهی و داستان‌گویی، مهارتی است بین‌رشته‌ای که بایسته و شایسته همه فضاهای آموزشی و دانشگاهی است.

کلیدواژه‌ها: روایت، روایت‌پردازی، روایت پژوهی، داستان، آموزش، دانش‌آموز.

^۱ استادیار دانشگاه فرهنگیان. پردیس شهید رجایی استان سمنان asemanekavir@gmail.com

مقدمه

روایت^۱، روایت‌پردازی^۲ و روایت پژوهی^۳ یکی از الزامات دوران اخیر است. سابقه اولین و دومی به پهنای قدمت زیست آدمی است و نشانه‌های آن را می‌توان از سنگ‌نوشته‌های دوران زیست اولیه بشری تا متون معاصر سراغ گرفت. روایت پژوهی، دانشی است که اگرچه می‌توان سابقه آن را در متون کهن یافت (Abram and Harpham, 2009: 209)، اما به گونه علمی و ساختاری حاصل تحقیقات زبان‌شناسی و خصوصاً مطالعات ساختارگرایی^۴ است (مکونیلان، ۱۳۸۸: ۳۱۸).

محققان روایت، روایت را از منظرهای گوناگون مورد بحث و تعریف قرار داده‌اند. بر اساس یک تعریف، روایت شامل هر گزاره‌ای است که مخاطب را در سیر آگاهی قرار دهد (همان، ۲۰). در این تعریف تمام گزاره‌هایی که به مخاطب نوعی آگاهی پیرامونی می‌دهد در زمره روایت‌اند. در این رویکرد روایی، نمونه گزاره «می‌شود آن نمکدان را به من بدهی؟» دارای درون‌مایه روایی است چراکه به مخاطب گزاره خبر می‌دهد که غذای گوینده، بی‌نمک است (همان).

رویکرد روایی دیگر آگاهی‌بخشی را ویژگی ذاتی همه روایت‌ها می‌داند اما متنی را در دایره روایت و روایت‌پردازی قرار می‌دهد که دارای آغاز، میانه و پایان باشد. در این تعریف، روایت دارای شخصیت‌های کنشگر^۵ است که حادثه یا اتفاقی را رقم می‌زنند (همان، ۱۷۴-۱۷۳) و در تعریف داستانی‌تر، طرح روایت دارای روابط علی و معلولی است (Castle, 2007: 118). بر این اساس، روایت کوتاه «پادشاه مُرد و ملکه نیز از غم مرگ او مُرد» یک روایت داستانی است؛ چون هم دارای شخصیت کنشگر و هم دارای حادثه و اتفاق است.

¹ Narrative

² Narration

³ Narrative studies

⁴ Structuralism

⁵ Active

در این نوشتار منظور از روایت، رویکرد دوم به روایت است؛ بدین معنی که نوشتار حاضر بر روایتی تکیه دارد و در بافت^۱ آن بحث می‌کند؛ که ساختار روایی قصه یا داستان را در خود جای‌داده است و گوینده یا نویسنده از طریق خلق شخصیت‌ها^۲ و کنش‌ها، حادثه‌ای را می‌آفریند و درنهایت به ارائه مفهوم یا آموزش مطلبی دست می‌بازد. متن حاضر حاصل تشریح تجربه‌ای روایی است که دانش‌آموز پایه هشتم دوره متوسطه اول از خوانش و فهم یک متن علمی به دست داده است.

در میان پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع نقش روایت در آموزش، یاسایی در کتاب قصه‌گویی در کلاس درس به شرح و تبیین فن داستان‌گویی و تأثیر آن در آموزش مفاهیم درسی می‌پردازد (یاسایی، ۱۳۸۲). اهمیت قصه‌گویی در برنامه‌ریزی درسی از دیگر موضوعاتی است که دهستانی اردکانی در مقاله‌ای کوتاه و مجمل به آن پرداخته است. وی در این مقاله که برگرفته از رساله کارشناسی ارشد است به تشریح نقش و کارکرد قصه‌گویی در آموزش موضوع‌های کتاب‌های درسی دوره ابتدایی می‌پردازد (دهستانی اردکانی، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۱)؛ اما پژوهشی که از منظر پدیدارشناسانه و از منظر رویکرد روایت‌شناسی به مطالعه موردی یا گروهی به نقش روایت‌پردازی و روایت‌شنوی در آموزش پرداخته باشد نگاشته نشده است و این نوشتار به چنین تحلیل و رویکردی می‌پردازد.

از دانش‌آموز به‌عنوان یک الگوی کلی، خواسته شده است که یک مفهوم علمی را که در کتاب‌های غیردرسی مطالعه کرده است و برای او دانش آفرین و جذاب بوده است، تشریح کند. وی از تجربه‌آموزشی خود از ایده «جهان‌های موازی» روایت می‌کند. آن‌گونه که در ادامه این نوشتار به تفصیل اشاره خواهد شد، اساس فهم علمی و دانشی دانش‌آموز، بر اساس فهم روایی و جاذبه آن صورت گرفته است. این مقاله بر اساس رویکرد روایت‌شناسی^۳ و روایت پژوهی سعی

¹ Context

² Character

³ Narratology

بر آن دارد که اهمیت نقل داستان^۱، قصه^۲، روایت‌پردازی و استفاده از تکنیک‌های مختلف آن را در فرآیند یادگیری و آموزش، در رشته‌های مختلف درسی، بازخوانی نماید.

بحث

روایت در آیینۀ زیست بشری

روایت و روایت‌پردازی سابقه‌ای کهن، به عمر اندیشه و تجربیات آدمی دارد. هر جا و هر زمان که آدمی زیسته هیچ‌گاه از روایت و روایت‌پردازی فارغ و آسوده نبوده‌است. شگفتی دنیای پیرامون آدمی و انتقال تجربیات زیسته آدمی همیشه از راه روایت و روایت‌پردازی امکان‌پذیر بوده است (سلدن و ویدسون، ۱۳۷۷: ۱۲۷). این روایت‌ها البته در روستاها^۳ متفاوتی همچون، تصویر، نمایه^۴، داستان، شعر و مجسمه‌سازی نمایانگر شده‌اند.

اولین نشانه‌های روایت‌پردازی‌های بشر را در خلق اسطوره‌ها که خود نوعی روایت با انواع روستاها است، می‌توان جست. اسطوره‌ها^۵ روایت‌هایی هستند که بیانگر آرزوها، آمال، هراس‌ها و اندیشه‌های بشری‌اند (Guerin, 2005: 183). علاوه بر اسطوره‌ها، متون دینی و اخلاقی فرهنگ‌های مختلف نیز از قدرت تأثیرگذاری روایت استفاده نموده‌اند و بسیاری از مفاهیم دینی، اخلاقی و حتی فلسفی و جهان‌بینی خود را در قالب روایت به مخاطبان خود عرضه داشته‌اند. قرآن کریم، تورات، انجیل و متون آیین‌های هندو، کنفوسیوس، از جمله متون دینی و اخلاقی‌اند که گاه آموزش مفاهیم خود را بر اساس روایت‌پردازی بنانهاده‌اند. این سابقه را می‌توان در دوران مدرن و پست‌مدرن امروزی نیز رهگیری کرد. انواع آگهی‌های تجاری و شمار فراوان سایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی که در فضای مجازی در حال فعالیت‌اند چیزی جز روایتی - از و در- جهان پیرامون نیستند و از منظر تخصصی‌تر، این فضاها برای انتقال مفاهیم و اهداف خود زیر چتر سنگین و گسترده روایت‌پردازی و روایت‌سازی، کارکرد خود را برجسته

¹ Story

² Fiction

³ SurfStructur

⁴ Index

⁵ Myth

و متمایز می‌نمایند. بر این مبنا می‌توان گفت که تجربیات آدمی، روایت‌پردازی را یکی از مهم‌ترین روش‌های آموزش و ژرفاندیشی فرض کرده و آن را در انتقال مفاهیم اساسی و ضروری هستی خود؛ از جمله انتقال دانش، احساس، اخلاق و عواطف به کاربرده است.

نموده‌هایی از روایت‌شناسی را می‌توان در متون کهن جست‌وجو کرد؛ قدیس آگوستین در بررسی‌های دین پژوهانه خود به بررسی روایت‌های اسطوره‌ای فرهنگ زمانه خود می‌پردازد و با تجزیه و تحلیل آن‌ها نظریات فلسفی و دینی خویش را اثبات می‌کند (آگوستین، ۱۳۹۱: ۱۷۰-۱۰۷)؛ اما روایت پژوهی و تجزیه و تحلیل علمی و ساختارمند روایت و کارکرد آن و در پی آن تشریح اهمیت روایت‌پردازی در زیست بهینه بشری، به عمر روایت‌پردازی نیست. روایت‌شناسی، ماحصل پژوهش‌های زبان‌شناسی است که با فعالیت‌های «فردینان دوسوسور» زبان‌شناس سوئیسی آغاز گردید (مکوئیلان، ۱۳۸۸: ۳۱۸) و امروزه کارکرد وسیعی در حوزه‌های مختلف علمی، اجتماعی و ادبی و فلسفی دارد؛ تا آنجا که روایت پژوهی و روایت‌پردازی نقش مهمی را در درمان و تسکین آلام و بیماری‌های روحی و روانی به عهده گرفته است (وایت واپسون: ۱۹۹۰ به نقل از خدابخش و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۲۲). امروزه با ژرف‌تر شدن علوم و تجربه‌های علمی و غیرعلمی، در مقیاسی وسیع‌تر و زمینه و بافت بین‌رشته‌ای؛ فلسفه، نقد ادبی، روایت‌شناسی و روان‌کاوی، در پیوند با یکدیگر به کار شناسایی، شناخت و درمان عقده‌های روانی و درونی بشر امروزی آمده‌اند (چندلر، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

اهمیت روایت‌پردازی به مثابه روشی از رویکردهای آموزش، تحلیل، نقد و بازخوانی آن، سال‌هاست که در جوامع پیشرفته آموزشی رویکردی شایع و بایسته است. «گردر» استاد فلسفه دانشکده «برگن» نروژ در مقدمه کتاب خود با عنوان «دنیای سوفی» از ابهام و دشواری دانشجویانش در فهم و دریافت مقولات فلسفی یاد می‌کند. برای رفع این ابهام، گردر، تمام مکتب‌های فلسفی - از آغاز تا زمان حاضر - را در قالب رمان گونه‌ای که به داستان‌های جداگانهٔ اپیزود - ماندنی^۱ شبیه است، برای دانشجویانش روایت و بازخوانی می‌کند. شیوهٔ وی

^۱ Episode

در این ژانر^۱ آموزشی نه تنها فهم دانشجویانش را از مقولات فلسفی، عمیق و آسان تر می‌نماید، بلکه زمینه را نیز برای کسب عنوان «نویسندهٔ پر فروش ترین کتاب آموزشی فلسفی جهان»، برای مؤلف مهیا می‌کند (دنیای سوفی، ۱۳۸۸).

روایت دانش‌آموز از فهم ایدهٔ «جهان‌های موازی»

امروزه در دنیایی به سر می‌بریم که مفاهیم بسیاری از علوم، خلاف گذشته در شناخت و ادراک ما از جهان پیرامون - خواسته یا ناخواسته - تأثیر می‌گذارد از جمله این مفاهیم تئوری کوانتم است: (Dayringer and Oler, 2011) این تأثیر با رشد روزافزون ارائه داده‌ها و اطلاعات و انتشار کتاب‌های اندیشمندان علوم تجربی چون میچیو کاکو و رغبت خوانندگان و دانش‌آموزان نوجوان و جوان که خصوصاً به فهم چنین مفاهیمی علاقه‌مند هستند رو به افزایش است. از سویی دیگر نه تنها برخی رشته‌های تحصیلی رنگ بین‌رشته‌ای به خود گرفته‌اند بلکه آموزش و تفهیم برخی از مفاهیم و علوم نیز از چنین رویکردهای بین‌رشته‌ای صورت می‌گیرد. ایدهٔ جهان‌های موازی که بخشی از نظریهٔ کوانتوم است از سوی اندیشمندان این نظریه از طریق نمونه‌ای روایتی و داستانی تبیین و تشریح گردیده است (بامشکی، ۱۳۹۵: ۹۴)؛ چراکه روایت داستانی تنها یک قالب ادبی نیست که صرفاً باعث حظ هنری گردد بلکه روایت و داستان در جایگاه خود می‌تواند مقوله‌ای معرفت‌شناختی نیز تلقی گردد (قاسم‌زاده، ۱۳۹۲: ۹۵). یکی از مهم‌ترین تأثیرهای روایت ترغیب خواننده به تخیل امور و مفاهیم گوناگون است (کوری، ۱۳۹۱: ۱۱۸) این تخیل می‌تواند زمینه‌ساز اولیه برای سازوکارهای آموزشی و حتی معرفتی گردد. خوانش کتاب جهان‌های موازی میچیو کاکو از جمله کتاب‌هایی است که بر اساس مشاهدات پیوسته نگارنده در بین دانش‌آموزان دو کلاس مجموعاً ۵۷ نفره پایه هشتم مدرسه استعدادهای درخشان با اقبال فراوانی روبه‌رو گردید. کتاب اخیر در تبیین مفاهیم انتزاعی از مهارت روایت، داستان و تخیل پردازی و استفاده از روایت‌های اسطوره‌ای و داستان‌های کلاسیک به خوبی استفاده کرده است (کاکو، ۱۳۹۲: ۳۴۵، ۳۵۱، ۲۲۶، ۳۷۱). داده‌های آماری و به تبع آن توصیفات آماری هر چند بنیان بسیاری از پژوهش‌ها را سامان می‌دهند اما رویکردهای پدیدارشناسانه‌ای چون تحلیل روایی، هر رخداد روایی را به‌تنهایی به‌مثابه یک «کل» تمام،

¹ Genre

کامل و دارای اعتبار دیده و به بررسی و تجزیه و تحلیل رخداد اصلی آن می‌پردازد (Webster 3-4: and Mertova, 2007). بر این اساس از دانش‌آموزی چهارده‌ساله و در پایه هشتم متوسطه اول که معرف کتاب جهان‌های موازی به دیگر دانش‌آموزان بود و بیشترین خوانش را در طول تحصیلات هشت‌ساله خود از کتاب‌های داستانی غیردرسی در میان دانش‌آموزان دو کلاس داشت خواسته شد تا بهترین تجربه دانشی خود را که اخیراً از یک متن غیردرسی فراگرفته و دید وی را نسبت به جهان پیرامونش تغییر داده است، تشریح کند. دانش‌آموز یادشده در طول فرآیند تحصیل و تا زمان پژوهش حاضر ۵۰ اثر داستانی از نویسندگان ایرانی و خارجی را مطالعه کرده و آن‌ها را در راستای هدف این پژوهش فهرست بندی نمود. بر این اساس این نوشتار با تحلیل یک رخداد روایی به‌عنوان یک «کل» تمام بر این باور است که از منظر روایت‌شناسی و پژوهش آن، هر روایت به‌تنهایی، خود جهانی است که دارای اهمیت روش‌شناسی و کارکردشناسی است (Ibid) و فن و هنر روایت‌پردازی و روایت خوانی تأثیری بنیادین در فهم، درک و تبیین مفاهیم آموزشی خواهد داشت.

متن روایی دانش‌آموز که برداشتی از روایت داستانی کتاب جهان‌های موازی کاکو است و توسط خود وی نگاشته شده است بدین گونه است؛

(روایت اول دانش‌آموز)

داستان

شخصی کنار همسر خود [نشسته] است وقتی همسر آن مرد، آن مرد را می‌بیند وانمود می‌کند که او را نمی‌شناسد و مرد را وادار به بیرون رفتن از خانه می‌کند. مرد در شهر پرسه می‌زند و به خانه دوستان صمیمی خود می‌رود و دوستان آن مرد با دیدن او ادعا می‌کنند که او را نمی‌شناسند؛ و مرد سپس به خانه پدری خود می‌رود و پدر و مادر آن مرد ادعا می‌کنند که هرگز فرزند پسری نداشته‌اند و آن مرد را نمی‌شناسند؛ و مرد مثل آدم‌های آواره در نیمکت پارک می‌خوابد. صبح روز بعد مرد می‌بیند که در تخت خود خوابیده است و زنی را که در کنار خود نشسته است، اصلاً نمی‌شناسد (به نقل از دانش‌آموز پایه هشتم استعدادهای درخشان، مقطع متوسطه اول).

منبع اصلی روایت فوق کتاب «جهان‌های موازی» اثر «میچیو کاکو» است. مؤلف در بخشی از این کتاب سعی دارد با آوردن روایتی بسیار ساده اما مؤثر، ایده «هستن» هم‌زمان در دوجهان موازی را برای خواننده کتابش تشریح کند. این روایت کوتاه مقدمه‌ای است تا دانش‌آموز یادشده به ایده جهان‌های موازی پی ببرد و با شور و اشتیاق بالایی درک خود از ایده جهان‌های موازی را این‌گونه برای پرسشگر-مخاطب-تشریح کند؛

(روایت دوم دانش‌آموز)

توجیه علمی

وقتی یک پرتوکیهانی به دوجهان به هم متصل برخورد می‌کند آن دوجهان را از هم جدا می‌کند و جهان‌های موازی را پدید می‌آورد؛ و در این داستان ممکن است یک پرتوکیهانی در داخل بدن مادر یعنی در جنین شده و باعث شده است که آن زن سقط‌جنین داشته باشد. سپس آن پرتوکیهانی باعث شده است که آن جنین در دودنیا زندگی کند: اول دنیایی که مرد در دوره جنینی در آن سقط شده و مرده است و دیگر جهانی که مرد دارد در آنجا زندگی می‌کند که این خود می‌تواند جهان‌هایی به ابعاد بالاتر و جهان چندبعدی را برای زندگی بسازد (همان).

دانش‌آموز روایتگر^۱ مایل است اعجاب خود را از یک نظریه علمی، با ذهنیت روایی خود درآمیزد و فهم و دریافت شخصی خود از جهان پیرامون را بدین گونه روایت کند. متن ذیل نگاشته دانش‌آموز یادشده است که در روایت زیسته و تجربه‌مندی خویش را این‌گونه روایت می‌کند؛

(روایت سوم دانش‌آموز)

با توجه به داستان ذکرشده می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری جهان می‌تواند به صورت موازی وجود داشته باشد چون با توجه به داستان نقل‌شده اگر هر فرد را در موقعیت ذکرشده قرار دهیم، می‌توانیم بسیاری جهان را به صورت موازی هم قرار دهیم؛ و علاوه بر

¹ Narrator

این ما نمی‌توانیم جهان را تنها به صورت فیزیکی فرض کنیم چون با توجه به نظریه جهان‌های موازی جهان‌ها تا بی‌نهایت وجود دارند پس می‌توان نتیجه گرفت که ما نمی‌توانیم به تمام جهان‌ها دسترسی داشته باشیم؛ و می‌توان نتیجه گرفت که ذهنیت انسان از دو عالم روح و جسم می‌تواند خود کاوشی در جهان‌های موازی باشد. پس می‌توان گفت فیزیک نه تنها در شیمی یا ریاضی دخالت دارد بلکه با تمام علم‌ها رابطه‌ای مستقیم برقرار می‌کند.

در دوره‌های اخیر یک ستاره‌شناس این نظریه را داد که از هر جهان، یک جهان جوان‌تری پا به عرصه می‌گذارد درست مانند زادوولد. پس می‌توان این‌طور گفت که اگر یک جنین متولد شود با توجه به داستان گفته شده دارای دو جهان خواهد بود که این ریشه در جهان‌های موازی بی‌نهایت دارد.

در دوره‌های اخیر کیهان‌شناسان جهان‌های موازی بی‌نهایتی را در شبکه گسترده کیهانی پیش‌بینی کرده‌اند. پس با توجه به این پیش‌بینی اگر تعداد جهان‌ها را با توجه به زادوولد انسان‌ها تشبیه کنیم پس می‌توان اندازه‌ای این شبکه را محدود در نظر گرفت. اما اگر این مسئله را به زادوولد انسان‌ها ربطی ندهیم پس می‌توان گفت که این شبکه کیهانی تا بی‌نهایت ادامه دارد اما این نمی‌تواند چرخه طبیعت باشد چون هر چیزی در طبیعت دارای تولد و مرگ است پس اگر جهان ما از عناصر تشکیل شده باشد پس عناصر چگونه زنده می‌مانند؟ اگر با مرگ هر جهان، جهان جدیدی متولد شود پس با این حال باید گفت چرخه جهان تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند نه تعداد جهان‌ها.

اما اگر این جهان‌ها را در مجموعه بزرگ‌تری از کیهان قرار دهیم آیا باز هم این مجموعه به‌ناچار باید تا بی‌نهایت ادامه پیدا کند؟ ولی از آنجایی که طبیعت در هر محیطی چه فیزیکی و چه غیر فیزیکی دارای تولد و مرگ باشد به‌رحال از بین می‌رود. از آنجایی که جهان رو به سرد شدن است پس جهان ما از بین خواهد رفت و جهان جدیدی متولد خواهد شد (همان).

روایت مؤلف کتاب درباره ایده «جهان‌های موازی»

در دو روایت پیشین که از سوی دانش‌آموز نقل شده است، وی به بازخوانی روایت متن اصلی کتاب پرداخته بود. متن اصلی کتاب یادشده بدین قرار است:

دنیای کتاب **(مرد ساکن قلعه بلند)** و دنیای ما، تنها از طریق یک حادثه بسیار کوچک، یعنی گلوله یک تروریست، از هم جدا شده‌اند. به این ترتیب ممکن است که جهان موازی دیگری، تنها به دلیل کوچک‌ترین رویداد ممکن - مثلاً رویداد کوانتومی برخورد یک پرتو کیهانی با یک ذره - از ما جدا شده باشد.

در قسمتی از سریال تلویزیونی «**کمبریند شفق**» مردی از خواب بیدار شده و متوجه می‌شود که همسرش او را نمی‌شناسد. همسر او فریاد می‌کشد و از او می‌خواهد قبل از این که به پلیس اطلاع دهد آنجا را ترک کند. پس از پرسه زدن در اطراف شهر، درمی‌یابد که حتی دوستان صمیمی‌اش نیز او را نمی‌شناسند. به طوری که انگار هیچ وقت وجود نداشته است. در آخر به دیدن خانه پدری خود می‌رود. پدر و مادر او ادعا می‌کنند که هرگز او را قبلاً ندیده و هرگز پسری نداشته‌اند. او، بدون وجود دوستان، خانواده و خانه، بی‌هدف در شهر پرسه می‌زند تا در نهایت بر روی نیمکت پارک، مثل مردی بی‌خانمان، به خواب می‌رود. صبح روز بعد وقتی از خواب بیدار می‌شود، خود را در کمال آرامش در رختخواب کنار همسرش می‌بیند. در کمال تعجب وقتی همسرش بلند می‌شود، مرد غافلگیر شده و درمی‌یابد که او اصلاً همسرش نیست، بلکه زن غریبه‌ای است که هرگز قبلاً او را ندیده است.

گاهی اوقات یک تک پرتو کیهانی، با یک تک ذره از فضا، به DNA درون یک جنین عمیقاً ضربه زده و تحولی را سبب می‌شود که در نهایت منجر به سقط جنین می‌گردد. در چنین حالتی یک رویداد کوانتومی می‌تواند دو جهان را از یکدیگر جدا سازد. در یکی از این جهان‌ها شما به صورت یک شهروند معمولی زندگی می‌کنید، در حالی که در جهان دیگر همه چیز دقیقاً شبیه جهان اول است، به جز این که در این جهان شما هرگز متولد نشده‌اید (کاکو، ۱۳۹۲: ۱۸۹-۱۸۸).

بررسی کارکرد روایت در فهم و انتقال دانش راوی و روایت شنو

در این بخش از نوشتار منظور از راوی، کاکو، مؤلف کتاب جهان‌های موازی، است و روایت شنو^۱، دانش‌آموزی است که به نقل تجربه روایی خود از کتاب کاکو می‌پردازد. نخستین نکته‌ای که از بررسی چند روایت ذکر شده در این نوشتار متمایز است، تکیه و تأکید دانش‌آموز بر عنوان «داستان» است. دانش‌آموز یا همان روایت شنو، برای روایت نخستین خود عنوان «داستان» را برگزیده است. گویی وی در تجربه زیسته خود در روایت کتاب، جهان داستانی را با جهان واقعی یکسان پنداشته و بین آن‌ها تفاوتی قائل نشده است. این تجربه را باید در اهمیت و رمز و راز کارکرد روایت دانست. به نظر می‌آید کاکو در انتقال ایده علمی خود به مخاطب نوجوان، به خوبی از توان و کارکرد روایی استفاده کرده است به گونه‌ای که روایت شنو نوجوان علاوه بر درک ساختار داستانی و اهمیت آن به ژرفساخت آن که همانا ایده جهان‌های موازی است، پی برده است.

ایده جهان‌های موازی به یقین ترکیبی از اندیشه‌های فلسفی و علمی است. فرآیند درک چنین ایده‌ای به گونه تخصصی و علمی، مسلماً در گرو ذهنیت فلسفی و فیزیکی است؛ اما کارکرد روایت، سوای توانایی ذهن مبتدی و غیرمتخصص روایت شنو، درک کلی آن را برای دانش‌آموز غیرحرفه‌ای در این گونه مباحث آماده کرده است. روایت شنو با استفاده از روایت نخستین، در روایت دوم به تجزیه و تحلیل ایده علمی پرداخته است و نتیجه‌ای که از داستان و توضیحات بعدی متن اصلی کتاب گرفته است، او را به فهم ایده مؤلف کتاب نزدیک نموده است. این که دانش‌آموز مورد بحث، نخستین روایت خود را از یک نگرش علمی با عنوان «داستان» و در قالب متنی روایی آغاز می‌کند و روایت دوم را «توجیه علمی» می‌نامد، نشانه‌ای است از کارکرد مؤثر و اثربخشی روایت و روایت‌پردازی در آموزش مفاهیم و دانش‌های گوناگون.

¹ Narratee

روایت شنو در فهم خود از ایده یادشده که بر مبنای روایت‌پردازی شکل گرفته است، در روایت سوم خود، اندیشه جهان‌های موازی را با دیگر اندیشه‌های علمی، چون نجوم، شیمی و فیزیک که قبلاً مطالعه کرده است پیوند می‌زند و به گمان خود به درکی کلی - هرچند ابتدایی- از ماهیت و سریان هستی و عوالم گوناگون می‌رسد. از منظری دیگر، پاراگراف‌بندی دانش‌آموز نیز در روایت سوم قابل توجه است. اساس بند‌گذاری یا پاراگراف‌بندی یک نوشته بر فهم، هضم، ارتباط و تسلسل مفاهیم و موضوعات در ذهن نویسنده استوار است (فتوحی، ۱۳۹۳: ۷۸). دانش‌آموز مورد بحث نیز با تکیه بر روایت داستانی کاکو به فهم متناسب با ظرفیت خود از ایده رسیده و آن را در بند‌گذاری نوشته‌اش نمایان ساخته، با آموخته‌های پیشین خویش پیوند می‌زند.

نکته‌ای که در بررسی تجربه زیسته این دانش‌آموز در جهان روایت به نظر می‌رسد - و خود از آن آگاه نیست- این است که وی در فرآیند خوانش روایت علمی و بازخوانی آن به روایت‌پرداز دیگری تبدیل شده است که با استفاده از توانایی روایت‌پردازی خود، در نقش معلم روایت‌پرداز برای نگارنده مقاله، به طرح ایده جهان‌های موازی می‌پردازد. در این نقش، روایتگر همان معلم است و معلم همان روایتگر.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این نوشتار بررسی و تبیین گردید، روایت‌پردازی و بررسی کارکرد و استفاده از آن در آموزش قدمتی به‌اندازه زیست آدمی دارد. بشر در افق زندگی خود هیچ‌گاه از این نقش و بهره‌گیری غافل نبوده است. تجربه حوزه‌های علمی مختلف در جهان و مساعی و تلاش آنان برای به‌کارگیری فن روایت‌پردازی و روایت پژوهی گویای این اندیشه است. شناخت و به‌کارگیری ظرایف روایت‌شناسی و روایت‌پردازی در مرحله نخستین توسط آموزگاران و معلمان مدرسه و دانشگاه و در مرحله بعد توسط روایت‌شنوان و دانش‌آموزان و دانشجویان، راهی است که فرآیند آموزش و تربیت را در چرخه‌ای قرار می‌دهد که هم به معلم و هم به دانش‌آموز و دانشجو، در لذت خوانش و درک مفاهیم علمی و غیرعلمی، انگیزه و توانی نو شونده می‌دهد و از فرسایش فرصت‌ها می‌کاهد. بدین‌سان اهمیت تکیه بر روایت‌خوانی و روایت‌پردازی و

استفاده از مهارت‌های بین‌رشته‌ای که تلفیقی از فنون و دانش‌های مختلف است، بر دانش‌گر و دانش‌پذیر آشکار می‌شود. فنی که در آن حتی «داستان» و «فیزیک» هم دست در دست هم دارند و پا به پای هم به کار آموزش و انتقال مفاهیم می‌آیند.

یادداشت

۱. اهمیت روایت و کارکرد آموزشی تربیتی آن در متون دینی؛ چون قرآن کریم، تورات و انجیل چنان روشن است که نگارنده نیازی به شرح آن در این گفتار نمی‌بیند. کافی است، به روایت قرآنی زندگی حضرت موسی، یوسف، عیسی (علیهم‌السلام) نظر افکنیم تا به اهمیت کارکرد آن در انتقال مفاهیم قرآنی پی ببریم؛ خصوصاً آن هنگام که قرآن از داستان حضرت یوسف با عنوان «احسن القصص» یاد می‌کند (قرآن، یوسف: ۳). در مذاهب و آیین‌های دیگر نیز نقش روایت و روایت‌پردازی متمایز و برجسته است. «اوپانیشاده‌ها» که از کتاب‌های مقدس هندوان است، برپایه روایت و روایت‌پردازی، خلق شده است (رضازاده شفق، ۱۳۸۷)؛ نیز «گیتا» از همان دست کتاب‌های هندوی است که سراسر روایی است (موحد، ۱۳۸۵). بدیهی است که کارکرد روایی در این‌گونه متون باهدف محض روایی و نقل نیست بلکه در پی آموزش مفهوم یادانسی است که یا به حیطه‌های اخلاقی و دینی مربوط می‌شود (متون دینی) و یا در افق آموزش رسیدن به تحولات درونی سیر می‌کند (متون آیینی و باطنی).

۲. دانش‌آموز موردبحث در این نوشتار، در مدرسه استعدادهای درخشان تحصیل می‌کند و سابقه مطالعه متعدد را در انواع داستان و مفاهیم علوم پایه - سوای کتاب‌های درسی - داشته است. این توانایی را می‌توان در نوشتار وی که در مقاله حاضر با عنوان روایت اول، دوم و سوم عنوان گذاری گردیده، حدس زد. بااین حال نگارنده مایل است تأکید کند که هنر خوانش، فهم و آفرینش روایت و متون داستانی از آنجا که آرام و پنهان ساختار ذهنی و تخیلی فرد را انسجام می‌بخشد، زمینه‌ای مهم و استوار برای درک مفاهیم علمی است. از نظر نباید دور داشت که برخی از فیلسوفان

و روایت شناسان معتقدند؛ جهان با تمام پدیدارهایش همراه با نقل و گزاره‌های علمی دانشمندان، روایتی بیش نیست (سلدن و ویدسون، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

منابع و مأخذ:

- آگوستین، قدیس. (۱۳۹۱). شهر خدا. ترجمه حسین توفیقی، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- بامشکی، سمیرا. (۱۳۹۵). جهان‌های موازی و معنی‌شناسی روایت. نقد ادبی، شماره ۳۴، سال نهم، تابستان.
- چندلر، دانیل. (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
- خدابخش، محمدرضا و دیگران. (۱۳۹۳). اثربخشی روایت درمانی برافزایش صمیمیت زوجین و ابعاد آن؛ شکوفایی برای درمان، فصل‌نامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، شماره چهارم، سال چهارم، زمستان.
- دهستانی اردکانی، نرگس. (۱۳۸۹). نگاهی به نقش آموزش قصه در برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی. رشد آموزش ابتدایی، دوره ۱۳، شماره ۸، اردیبهشت ۱۳۸۹.
- رضازاده شفق، صادق. (۱۳۸۷). گزیده‌ای از پژوهش‌ها؛ با مقدمه و حواشی و فهرست لغات. چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سلدن رامن و پیتر ویدسون. (۱۳۷۷). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۳). آیین نگارش مقاله پژوهشی. چاپ چهاردهم. تهران: نشر سخن.
- قاسم‌زاده، سید علی. (۱۳۹۲). تحلیل فرامتنی و کهن‌الگویی رمان به هادس خوش‌آمدید نوشته بلقیس سلیمانی. نقد ادبی، شماره ۲۴، سال ششم، زمستان.

- کاکو، میچیو. (۱۳۹۲). جهان‌های موازی. ترجمه سارا ایزدیار و علی هادیان، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مازیار.
- کوری گریگوری. (۱۳۹۱). روایت‌ها و راوی‌ها. ترجمه محمد شهبان، تهران: مینوی خرد.
- گدر، یوستین. (۱۳۸۸). دنیای سوفی. ترجمه حسن کامشاد، چاپ دوازدهم، تهران: نیلوفر.
- گیتا بهگود گیتا. (۱۳۸۵). ترجمه محمدعلی موحد، چاپ سوم، تهران: خوارزمی.
- مکویلان، مارتین. (۱۳۸۸). گزیده مقالات روایت. ترجمه فتاح محمدی، تهران: مینوی خرد.
- یاسایی، مهشید. (۱۳۸۲). قصه‌گویی در کلاس درس. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

- Abrams M.H., Galt Harpham Geoffery(2009). A Glossary of literary terms. Ninth edition, Boston:W adsworth Cengage Learning.
- Castle, Gregory(2007). The blackwell guide to literarytheory,:UK, Oxford.
- Dayringer Richard and David Oler: Editors(2011). The Image of God and the Psychology of Religion. New York: Routledge.
- Guerin Wilfred.L. Labor Earle G. Morgan Lee, Reesman Jeanne C. Willingham JohnR.(2005). A handbook of critical approaches to literature. Fifthedition, New York: Oxford University Press.
- Webster Leonard and Patricie Mertova(2007).Using Narrative Inquiry as a Research Method; An introduction to using critical event narrative analysis in research on learning and teaching. New York: Routledge.